

## شاخص‌های دادوستد حلال در فعالیت‌های اقتصادی اسلام

عبدالله صادقی<sup>\*۱</sup>

۱- گروه کلام اسلامی، دانشگاه بین‌المللی جامعه المصطفی (ع) العالمیه، مشهد، ایران

پذیرش مقاله: ۲۰ تیر ۹۸

دریافت مقاله: ۱۱ فروردین ۹۸

### چکیده

فعالیت‌های اقتصادی و درآمدزایی جزء جدا نشدنی زندگی بشر است. تأمین نیازهای انسان مانند غذا، پوشاک، مسکن، یادگیری و دیگر موارد در سایه این نوع فعالیت‌ها تأمین می‌گردد. تأمین این نیازها از منابع مشترک، بودن زمینه ساز بروز اختلافات در میان بشر در حوزه فعالیت‌های اقتصادی و درآمدزایی است. دین اسلام به فعالیت‌های اقتصادی و درآمدزایی اهمیت فراوانی داده است. در منابع دینی گزاره «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا» بیان شده است که بیانگر این مطلب است که عدم توجه به فعالیت‌های اقتصادی و درآمدزایی در تأمین نیازها سرنوشت نهایی انسان را با خطر مواجه می‌کند. در گزاره‌های دینی علاوه بر توجه به فعالیت‌های اقتصادی و درآمدزایی، فرایندی جلوگیری از بروز اختلاف نیز ارائه شده است. کسب درآمد حلال، فرایند پیشنهادی در گزاره‌های دینی برای پیشگیری از اختلاف است. مسئله‌ای که این نوشتار به آن خواهد پرداخت این است که شاخص‌های معاملات حلال و قانونی چیست؟ در گزاره‌های دینی راهبرد محوری در کسب درآمد حلال، «مصلحت ساز بودن» و «فساد انگیز نبودن» بیدان شده است که براساس آن‌ها شاخصه‌های متعددی به دست خواهد آمد. تحقیق پیش رو، یک تحقیق بنیادی است که رویکرد آن توصیفی بوده و به روش کتابخانه‌ای انجام شده است.

کلمات کلیدی: فعالیت‌های اقتصادی، دادوستد، رزق و درآمد، حلال، شاخصه‌های حلال.

### ۱- مقدمه

در طول تاریخ، فعالیت‌های درآمدزا یا به اصطلاح فعالیت‌های اقتصادی، همیشه بخشی از زندگی بشر شمرده شده است. از زمانی که انسان احساس نیاز به غذا و پوشاک و مسکن و مانند آن پیدا کرد و یا از آن هنگام که مسئولیت تأمین نیازهای خانواده را بر عهده گرفت، کوشش و فعالیت‌های اقتصادی خود را برای دستیابی به احتیاجات و نیازمندی‌ها آغاز نمود. در گذشته، کارهایی مانند کشاورزی، دامپروری و شکار فعالیت‌های اقتصادی بوده و در رأس فعالیت‌های اقتصادی برای تأمین نیازهای زندگی به شمار می‌رفته‌اند. این گونه

\*نویسنده مسئول: عبدالله صادقی، آدرس ایمیل: abdollah.sadeqi@gmail.com

[view Journal](#)

<https://doi.org/10.30502/H.2020.104816>



This paper is open access under [Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license](#)

اِخْتَلَفُوا فِيهِ وَ مَا اِخْتَلَفَ فِيهِ اِلَّا الَّذِيْنَ اُوْتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللّٰهُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوا لِمَا اِخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِاِذْنِهِ وَ اللّٰهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ اِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ» [۱]. (بقره: ۲۱۳)<sup>۱</sup>

با توجه به نفوذ فعالیت‌های اقتصادی و کسب درآمد در بیشتر مسائل زندگی و اجتناب ناپذیر بودن بروز اختلاف در مسائل اقتصادی، لازم است که دین اسلام برای حل اختلافات وارد حوزه اقتصادی شود تا از بروز نزاع‌ها و اختلافات در جامعه اسلامی جلوگیری شود.

بر این اساس، در فعالیت‌های اقتصادی دین اسلام، برای جلوگیری از اختلافات و نزاع‌ها در کسب درآمد، فرآیند کسب درآمد حلال طراحی شده است و درآمدزایی از نظر دین اسلام زمانی قانونی شمرده می‌شود که فرآیند کسب درآمد حلال را طی کند. به همین منظور نیاز است تا برای شناخت کسب درآمد حلال، شاخص‌های معرفی شده در آموزه‌های دینی را به دست آورد.

گمان اینکه بتوان در این نوشتار و نوشتارهای مشابه به تمام شاخص‌های معاملات اقتصادی و فرآیند کسب درآمد حلال دست یافت، گمانی به دور از واقعیت است. دلیل این مطلب، گستره و فراوانی مباحث اقتصادی در دین اسلام است. می‌توان در اکثر ابواب فقه اسلامی فراوانی مسائل اقتصادی را مشاهده کرد و شاید بتوان بیش از صدها مسئله اقتصادی در ابواب فقه را کشف کرد.

فعالیت‌ها از پیچیدگی خاصی بر خوردار نبودند، بنابراین مسائل اقتصادی در مراحل آغازین تاریخ بشر مسئله‌ای ساده و به دور از هر پیچیدگی محسوب می‌شدند، اما با پیچیده شدن سبک زندگی و ارتقای زندگی از نظام روستایی و عشایری به زندگی پر پیچ و خم شهری، دیگر آن سادگی و مستقیم بودن فعالیت اقتصادی رنگ باخته و به مسئله‌ای کاملاً پیچیده و با لایه‌های متعدد تبدیل شده است و علوم مختلف را در تحلیل فعالیت‌های اقتصادی دخیل کرده است.

اهمیت مسئله اقتصادی آنجا نمایان می‌شود که بدان فعالیت‌های اقتصادی و مسائل آن در تمام زندگی ما جریان پیدا کرده است و در بیشتر مسائل زندگی امروزی سرنخی از اقتصاد و مسائل آن وجود دارد. از آنجایی که اختلاف و نزاع‌ها در فعالیت‌های اقتصادی و کسب درآمد امری اجتناب ناپذیر است، نبودن راه و روشی برای حل و فصل این اختلاف‌ها منجر به نابودی نظام و سیاست اقتصادی خواهد شد. بنابراین، نیاز به راه حل‌ها برای رفع تعارض‌ها و نزاع‌ها در سیاست و نظام اقتصادی امری اجتناب ناپذیر است.

یکی از فلسفه‌های وجود ادیان الهی خصوصاً دین اسلام برطرف کردن اختلاف بین مردم خوانده شده است؛ بر اساس فرمایش قرآن کریم، خداوند دین را به وسیله پیامبران برای حل اختلافات بشر فرستاده است:

«كَانَ النَّاسُ اُمَّةً وَّاحِدَةً فَبَعَثَ اللّٰهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِيْنَ وَ مُنذِرِيْنَ وَ اَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا

کسانی که به آنان کتاب داده شد، این اختلاف بعد از دلیل و برهان‌های روشن و آشکاری بود که برای آنان آمد، و سبب آن برتری‌جویی و حسد در میان خودشان بود. پس خدا کسانی را که ایمان آوردند، به توفیق خود به حقیقی که در آن اختلاف کردند، راهنمایی کرد و خدا هر که را بخواهد به راهی راست هدایت می‌کند. (بقره: ۲۱۳)

مردم در ابتدای تشکیل اجتماع گروهی واحد و یکدست بودند و اختلاف و تضادی در امور زندگی نداشتند، پس از پدید آمدن اختلاف و تضاد خدا پیامبرانی را مژده دهنده و بیم‌رسان برانگیخت و با آنان به درستی و راستی کتاب را نازل کرد، تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند، داوری کند. آنگاه در خود کتاب اختلاف پدید شد و اختلاف را در آن پدید نیاوردند مگر

دین روشن نماییم تا از بروز برداشت‌های متعدد جلوگیری شود.

دین، لایه‌ها و سطوح متعدد دارد و وقتی سخن از دین می‌شود، ممکن هر شخصی به یکی از این لایه‌ها توجه داشته باشد و مخاطب نتواند به آسانی مراد گوینده را تشخیص دهد. به همین منظور ابتدا نگارنده به این لایه‌ها و سطوح اشاره کرده و مقصود خود را از دین بیان می‌کند.

الف) دین نفس‌الامری: خداوند متعال انسان را آفرید و از آغاز و انجام و همه ابعاد وجودی جسمی و روحی او آگاهی و اطلاع کامل دارد. در دین نفس‌الامری نقشه جامع و راه روشن هدایت بشر وجود دارد. در این نقشه جامع، تمام بایدها و نبایدها و احکام لازم برای تنظیم روابط در تمام عرصه‌ها وجود دارد؛ اما با توجه داد که دین نفس‌الامری نزد ما موجود نیست. به همین دلیل از حوزه تحقیق و بررسی در این نوشتار خارج خواهد بود.

ب) دین مرسل: آنچه از سوی خداوند متعال برای هدایت انسان به سوی فلاح و رستگاری به رسولان الهی ارسال شده است، «دین مرسل» است؛ یعنی خداوند وحی کرده است و این آموزه‌ها نزد پیامبر ﷺ وجود دارد. ولی اینکه همه آموزه‌ها به دست مردم رسیده باشد، اطمینانی وجود ندارد و گزارش‌ها و شواهد تاریخی حکایت از هم‌برخی از میراث پیامبر اسلام و جان‌نشینان او دارد. به همین جهت وقتی گفته می‌شود دین، باز مراد نگارنده دین مرسل هم نیست.

ج) دین واصل: دین واصل عبارت است از آموزه‌های دین اسلام که در قرآن (کتاب مقدس مسلمانان) و سنت به وسیله پیامبر ﷺ برای مردم بیان شده است. شیعیان بر این

به عنوان نمونه، در باب صلاة (نماز) که گمان کمتری می‌رود که با اقتصاد و کسب درآمد مرتبط باشد، دیده می‌شود که ارتباط مستقیم و تأثیرگذار وجود دارد. مثلاً در لباس و مکان نمازگزار این نکته اساسی مطرح می‌شود که یکی از شرایط صحت نماز، غصبی نبودن مکان و لباس نمازگزار است. یعنی لباسی که با آن و مکانی که در آن نماز خوانده می‌شود باید از طریق قانونی (حلال) تهیه شود و کسب آن‌ها از طریق غیرقانونی و حرام، باعث باطل شدن نماز می‌شود.

این فراوانی مسائل اقتصادی و ارتباط آن با بیشتر مسائل زندگی، شناخت شاخصه‌های کسب درآمد حلال را به خوبی نشان می‌دهد. بنابراین مسئله‌ای که این نوشتار به آن خواهد پرداخت این است که شاخص‌های معاملات حلال و قانونی چیست؟

تحقیق پیش رو، یک تحقیق بنیادی است که رویکرد آن توصیفی بوده و به روش کتابخانه‌ای انجام خواهد شد.

## ۲- مفهوم شناسی

روشن شدن مسیر تحقیق نیازمند شفاف‌سازی مفاهیم کلیدی پژوهش است. کلیدواژه‌های «دین»، «حلال» و «حرام» و «رزق»، مفاهیم اساسی این پژوهش به شمار می‌روند که در ادامه، تبیین می‌شوند.

### ۱-۲ دین

توجه به حقیقت دین و آنچه در صحنه تاریخ ادیان اتفاق افتاده است، تلقی‌های متعددی از دین به ارمغان آورده است و چه بسا اختلافاتی را نیز در پی داشته است. در تعریف دین در فضای اسلامی نیز چنین اختلافاتی بروز کرده است و رویکردها و قرائت‌های متعدد از آن مطرح شده است؛ بنابراین لازم است که مراد و منظور خود را از

باورند که علاوه بر پیامبر اسلام، امامان دوازده گانه وحی نخواهد شد. بنابراین وقتی در این نوشتار سخن از دین مطرح می‌شود منظور همان دین واصل است. یعنی آنچه از آموزه‌ها و گزاره‌های دینی به دست ما رسیده است که از آن‌ها، به دین تعبیر می‌گردد.

## ۲-۲ حرام و حلال

معنای «حلال» هم در لغت‌شناسی در معانی مختلفی مانند باز کردن گره [۲و۳]، رفع ممنوعیت [۲]، ضد حرام [۴] و مختار بودن در انجام کار آمده است [۵].

مفهوم و معنای «حرام» براساس لغت‌شناسی به معنای ممنوعیت (بازداشتن) «أصل التَّحْرِيم: المنع و محرومیت (دور ماندن از چیزی) است [۶ و ۷].

«وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ (ذاریات: ۱۹)؛ محروم به معنی ممنوع است. «یعنی کسی که از روزی و در آمد کافی ممنوع است.» [۲] و در مقابل حلال قرار دارد: «الْحَرْمُ، بالكسر، و الْحَرَامُ: نقيض الحلال [۸].» بنابراین نمی‌توان از آن استفاده کرد و به کار گرفت: «و الْحَرِيمُ: ما حُرِّمَ فَلَمْ يَمَسَّ.» [۸] گرچه در معنای دشواری هم آورده شده است «حَدْرِم - حَرَمْدًا و حَرَامًا عَلَيْهِ الْأَمْرُ: آن امر بر او دشوار شد [۴]»، ولی معنای «دشواری» ارتباطی با موضوع این تحقیق ندارد.

محرومیت و ممنوعیت گونه‌های متعددی دارد؛ گاهی ممنوعیت بده صورت قهری و اجباری است. یعنی اراده انسان در تحقق و عدم تحقق آن نقشی ندارد. «إِنَّهُ مَنْ يَشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ.» (مائده: ۷۲)

این تحریم اجباری گاهی به تسخیر و اعمال قدرت خداوند است: «حَرَمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِذْنُ قَبْلُ...؛ زنان

شیرده را بر او قبلاً حرام کردیم.» (قصص: ۱۲) اینکه موسی پستان هیچ زن شیرده را نگرفت، فقط خواست خدا بود تا بالاخره بده مادرش برگردد. گاهی تحریم اجباری به مقتضای طبیعت است. مثل اینکه اگر فرد یا گروهی بمیرند و از این دنیا کوچ کنند، دیگر امکان برگشت وجود ندارد: «وَوَحْيًا عَلَى قَرْبِهِ أَهْلِكُنَاهَا إِنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ؟» بر قریه ای که هلاک کرده ایم برگشتن به دنیا، حرام و نامقدور است، آن‌ها بر نمی‌گردند [۲] و گاهی ممنوعیت و محرومیت از جهت عقل یا شرع است [۳].

بنابراین معنای «حلال» و «حرام» در موضوع این تحقیق، همان ممنوعیت و محرومیت شرعی است.

با این تفاسیل، مفهوم حلال، مختار بودن و اجازه استفاده از چیزی است که خداوند اجازه داده است و در مقابل حرام یعنی ممنوعیت و محرومیت در استفاده از چیزی خداوند آن را ممنوع کرده است.

## ۲-۳ رزق

مفهوم رزق، مفهوم عامی است که هم بر رزق مادی دلالت دارد و هم بر رزق معنوی. برخی تعاریف، ناظر به رزق مادی بیان شده است. تعریف دهخدا از این دسته است: هرچه از آن نفع بردارند. داخم و قوت یومیه. روزی دادن. دادن خدا بندگان را و عطا کردن آن‌ها را روزی. (لغت نامه دهخدا، واژه رزق)

رزق، انعام خاصی است که به مقتضای حال و بر اساس نیاز مرزوق به طور پیوسته صورت می‌گیرد تا مایه حیات و بقای مرزوق باشد [۹].

بنابراین رزق چیزی است که استفاده از آن، بقا و حیات را در پی دارد. به همین سبب خوراک، پوشاک، مسکن و

سرپناه رزق است. چون وجود آن‌ها مساوی با حیات و تداوم انسان است.

## ۲-۴ رزق معنوی

انصراف و درک اولیه از مفهوم «رزق» بیشتر بر امور مادی است. گزاره‌های دینی معنای رزق را توسعه داده و گستره آن را به امور معنوی افزایش می‌دهند. به عنوان نمونه، حضرت شعیب از نبوت خود به عنوان «رزق حسن» یاد کرده است. «... وَ رَزَقْنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا...». (هود: ۸۸) هم‌چنین زیارت خانه خدا در زبان ادعیه رزق خوانده شده است: «اللَّهُ ارزقنی حج بیتک الحرام فی عامی هذا و فی کل عام». (قمی) و از ترغیب به انفاق: «... وَمَنْ رَزَقْنَاهُ مِنَّا رِزْقًا حَسَنًا فَهُوَ يَنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَجَهْرًا...» (نحل: ۷۵) که از امور مدای و محسوب نیست، هم تعبیر به رزق شده است. بنابراین «رزق» هر چیزی است که قابل بهره برداری برای انسان باشد و تفاوتی ندارد که جنس آن مادی باشد یا معنوی، دنیوی باشد یا اخروی. با این توضیح نه تنها خوردنی‌ها، پوشیدنی‌ها و مسکن، رزق اند، بلکه هر نوع بهره‌ای برای انسان رزق محسوب می‌شود.

## ۲-۵ رزق حلال

در معنای رزق گفته شد هر چیزی که انسان یا جاندار از آن برای تغذیه و تداوم حیات استفاده می‌کند، رزق خوانده می‌شود، ولی رزق حلال آن چیزی است که استفاده از آن به وسیله شرع و دین مورد تأیید قرار گیرد. یعنی مواد و امور متعددی برای استفاده انسان وجود دارد، ولی بر اساس نظر دین نمی‌توان از همه آن‌ها به طور مطلق استفاده کرد، بلکه در نحوه و مقدار استفاده با محدودیت مواجه خواهی بود.

تعیین این مرز و حد به وسیله شرع و دین تعیین می‌گردد. بنابراین در شیوه استفاده از رزق باید بر اساس نظر دین و شرع عمل گردد. پس اگر به دست آوردن و استفاده از رزق بر اساس نظر دین و آموزه‌های آن انجام شود، رزق حلال خواهد بود. مثلاً شیوه و روش استفاده از انگور و فراورده‌های تولیدی از انگور، هم می‌تواند حلال باشد و هم حرام. آنچه حلال است و مجوز استفاده از آن را داریم، مواردی است که تأیید شرع و دیدن را داشته باشد.

«وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ؛ و از میوه‌های درخت خرما و انگور برای شما چیزی آفرید که از آن‌ها هم باده می‌گیرید و هم رزق نیکو تهیه می‌کنید. به یقین در این نیز برای مردمی که خرد را به کار می‌گیرند، نشانه‌ای بر یکتایی خداوند است». (نحل: ۶۷)

## ۳- جایگاه درآمدزایی در فعالیت‌های اقتصادی اسلام

کسب درآمد حلال (روزی حلال) از طریق مشاغل نیز از اموری است که باید افراد آگاهی‌های لازم را درباره آن داشته باشند. در گزاره‌های دینی هم قبل از پرداختن و مشغول شدن به فعالیت‌های اقتصادی و کسب درآمد (مثلاً تجارت) توصیه به داشتن آگاهی شده است. نتیجه این آگاهی‌ها در گزاره‌های دینی به معنای داشتن فهم عمیق (فقه) از شغل و درآمدهای حاصل از آن است. مثلاً در مورد تجارت گفته شده است که ابتدا فهم عمیق (فقه) به دست آورید و بعد اقدام به تجارت کنید.

اصبغ بن نباته می‌گوید:

از امیرمؤمنان علیه السلام شنیدم که بر فراز منبر می‌فرمود: ای گروه

گزاره های دینی راهبرد کلان در فعالیت‌های اقتصادی را بیان کرده اند. در یکی از روایت های راهبردی، روش ها و وسایل کسب درآمد در نظام زندگی بشر چنین توصیف شده است:

الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ شُعْبَةَ فِي تَحْفِ الْعُقُولِ عَنِ الصَّادِقِ أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ مَعَايِشِ الْعِبَادِ. فَقَالَ: جَمِيعَ الْمَعَايِشِ كُلِّهَا مِنْ وَجْهِ الْمَعَامَلَاتِ فِيمَا بَيْنَهُمْ مِمَّا يَكُونُ لَهُمْ فِيهِ الْمَكْسَبُ أَرْبَعُ جِهَاتٍ وَ يَكُونُ مِنْهَا حَلَالٌ مِنْ جِهَةٍ حَرَامٌ مِنْ جِهَةٍ. فَأَوَّلُ هَذِهِ الْجِهَاتِ الْأَرْبَعَةِ الْوَلَايَةُ، ثُمَّ التَّجَارَةُ، ثُمَّ الصَّنَاعَاتُ تَكُونُ حَلَالًا مِنْ جِهَةٍ حَرَامًا مِنْ جِهَةٍ. ثُمَّ الْإِجَارَاتُ وَ الْفُرْضُ مِنَ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ فِي هَذِهِ الْمَعَامَلَاتِ الدُّخُولُ فِي جِهَاتِ الْحَلَالِ وَ الْعَمَلُ بِذَلِكَ الْحَلَالِ مِنْهَا وَ اجْتِنَابُ جِهَاتِ الْحَرَامِ مِنْهَا [۱۱].

در روایت فوق، به تمام روش ها و وسایل کسب درآمد اشاره شده است و هشدار می‌دهد که این روش ها و وسایل کسب درآمد هم جنبه قانونی (حلال) و هم جنبه غیرقانونی (حرام) دارند. انسان ها باید مراقب باشند که از طریق جنبه قانونی (حلال) کسب درآمد کنند و در دام معاملات غیرقانونی (حرام) قرار نگیرند.

روایتی نیز در کتاب وسائل الشیعه آمده است که اضلاع معاملات را چندین تبیین کرده است:

وَ وَجْهِ الْحَلَالِ مِنْ وَجْهِ التَّجَارَاتِ الَّتِي يَجُوزُ لِلْبَائِعِ أَنْ يَبِيعَ مِمَّا لَا يَجُوزُ لَهُ وَ كَذَلِكَ الْمُشْتَرِي الَّذِي يَجُوزُ لَهُ شِرَاؤُهُ مِمَّا لَا يَجُوزُ لَهُ فَكُلُّ مَأْمُورٍ بِهِ مِمَّا هُوَ غِذَاءٌ لِلْعِبَادِ وَ قَوْمُهُمْ بِهِ فِي أُمُورِهِمْ فِي وَجْهِ الصَّلَاحِ الَّذِي لَا يَقِيمُهُمْ غَيْرُهُ مِمَّا يَأْكُلُونَ وَ يَشْرَبُونَ وَ يَلْبَسُونَ وَ يَنْكِحُونَ وَ يَمْلِكُونَ وَ

تاجران نخست آگاهی دقیق از احکام و سپس تجارت نخست آگاهی دقیق از احکام و سپس تجارت نخست آگاهی دقیق از احکام و سپس تجارت به خدا سوگند! ربا در میان این امت، به یقین پنهان تر از حرکت مورچه بر روی سنگ سخت است. سوگندهای تان را با راستی درهم آمیزید! تاجر، تبهکار است و تبهکار در آتش است مگر کسی که حق بگیرد و حق بدهد. ۳

بخش پایان این حدیث از پیامبر اکرم ﷺ نیز روایت شده است [۱۰].

محور مهم در داشتن فهم عمیق و کارشناسی نسبت به شغل و کسب درآمد، معرفت و آگاهی به راه و روش درست کسب درآمد است. کسب فهم عمیق و کارشناس شدن نیازمند آشنایی با بستری است که این آگاهی ها در آنجا وجود دارد. یکی از بسترهایی که این آگاهی ها (شاخص درآمدهای حلال) در آن مطرح شده است، مباحث فقهی است، زیرا کسب درآمد در معاملات و دادوستد اقتصادی جزو افعالی است که مسلمانان باید آن را بر اساس نظر خداوند و براساس قوانین دین اسلام انجام دهند. تعیین تکلیف حرام و حلال بودن (حکم تکلیفی) و درست و نادرست بودن (حکم وضعی) کارها و افعال در فقه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. بستر دیگر کسب این آگاهی ها گزاره های دینی (آیات و روایات) است. بنابراین مباحث فقهی و گزاره های دینی دو حوزه مهم بیان کننده شاخصه ها هستند.

#### ۴- راهبرد کلان در فعالیت‌های اقتصادی اسلام

لَرَبًّا فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ أَخْفَى مِنْ دَبِيبِ النَّمْلِ عَلَى الصَّفَا، شُوبُوا إِيمَانَكُمْ بِالصِّدْقِ، التَّاجِرُ فَاجِرٌ، وَ الْفَاجِرُ فِي النَّارِ، إِلَّا مَنْ أَخَذَ الْحَقَّ، وَ أُعْطِيَ الْحَقَّ.»

أَعَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى، عَنْ أَبِي الْجَارُودِ، عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ، قَالَ: سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَقُولُ عَلَى الْمِنْبَرِ: «يَا مَعْشَرَ التَّجَارِ، الْفِقْهُ ثُمَّ الْمُتَجَرُّ، الْفِقْهُ ثُمَّ الْمُتَجَرُّ، الْفِقْهُ ثُمَّ الْمُتَجَرُّ، وَ اللَّهُ

فعالیت‌های اقتصادی و درآمد زایی قانونی (حلال) اشاره دارد و هم به فعالیت‌های اقتصادی و درآمدزایی غیرقانونی (حرام).

بر اساس راهبرد بیان شده در روایت، به دست می‌آید که «فساد انگیز بدون» راهبردی است که بر اساس آن، شاخصهای فعالیت‌های اقتصادی و درآمدزایی غیرقانونی (حرام) تعیین می‌شود و «مصلحت ساز بودن» راهبردی است که بر اساس آن، شاخصهای فعالیت‌های اقتصادی و درآمدزایی قانونی (حلال) مشخص می‌شود.

این روایت راهبردی همان موضوعی است که عالمان در مباحث اصول فقه و فقه پیرامون احکام بیان می‌دارند. عالمان امامیه بر این باورند که اراده خداوند حکیمانه است، بنابراین احکام تابع مصالح و مفاسد واقعی است؛ یعنی اگر چیزی واجب می‌شود، به دلیل وجود مصلحت واقعی در آن است و اگر چیزی حرام می‌شود به علت وجود مفاسد واقعی در آن است.

##### ۵. شاخص‌های حلال

در منابع دینی، تأکید بسیاری به فراگیری و دانستن قوانین تجارت و کسب درآمد کسب درآمد قانونی (حلال) شده است. یکی از آن موارد که می‌توان آن را شاخص شناسی درآمدهای حلال در امور اقتصادی دین اسلام برشمرد، روایتی است که در آن از امیرالمؤمنین علیه السلام چنین نقل شده است: شخصی نزد ایشان آمد و گفت قصد تجارت و کسب درآمد دارد. حضرت پرسید آیا فهم عمیق در دادوستد دینی پیدا کرده ای؟ آن شخص در پاسخ گفت که بعد از اشتغال به کار، و کسب درآمد دنبال فهم آن‌ها خواهم رفت. حضرت با حالت برآشفته گفت: وای بر تو. ابتدا فهم عمیق پیدا کن، سپس سراغ کسب درآمد و خرید و فروش برو. اگر چنین نکنی مرتکب افعال

يَسْتَعْمَلُونَ مِنْ جَمِيعِ الْمَنَافِعِ الَّتِي لَا يَقِيمُهُمْ غَيْرُهَا وَ كُلُّ شَيْءٍ يَكُونُ لَهُمْ فِيهِ الصَّلَاحُ مِنْ جِهَةٍ مِنَ الْجِهَاتِ، فَهَذَا كُلُّهُ حَلَالٌ بَيْعُهُ وَ شِرَاؤُهُ وَ اِمْسَاكُهُ وَ اسْتِعْمَالُهُ وَ هَبْتُهُ وَ عَارِيَّتُهُ. وَ اَمَّا وَجُوهُ الْحَرَامِ مِنَ الْبَيْعِ وَ الشِّرَاءِ، فَكُلُّ اَمْرٍ يَكُونُ فِيهِ الْفَسَادُ مِمَّا هُوَ مِنْهُي عَنْهُ مِنْ جِهَةٍ اُكْلِهِ اَوْ شُرْبِهِ اَوْ كَسْبِهِ اَوْ نِكَاحِهِ اَوْ مَلَكَهِ اَوْ اِمْسَاكِهِ اَوْ هَبْتِهِ اَوْ عَارِيَّتِهِ اَوْ شَيْءٍ يَكُونُ فِيهِ وَجْهٌ مِنْ وَجُوهِ الْفَسَادِ نَظِيرِ الْبَيْعِ بِالرَّبَا اَوْ الْبَيْعِ لِلْمَيْتَةِ اَوْ الدَّمِ اَوْ لَحْمِ الْخِنْزِيرِ اَوْ لَحُومِ السَّبَاعِ مِنْ صَنُوفِ سَبَاعِ الْوَحْشِ وَ الطَّيْرِ اَوْ جُلُودِهَا اَوْ الْخَمْرِ اَوْ شَيْءٍ مِنْ وَجُوهِ النَّجَسِ، فَهَذَا كُلُّهُ حَرَامٌ وَ مُحَرَّمٌ لَانَ ذَلِكَ كُلُّهُ مِنْهُي عَنْ اُكْلِهِ وَ شُرْبِهِ وَ لَبْسِهِ وَ مَلَكَهِ وَ اِمْسَاكِهِ وَ التَّقَلُّبِ فِيهِ، فَجَمِيعُ تَقَلُّبِهِ فِي ذَلِكَ حَرَامٌ.

وَ كَذَلِكَ كُلُّ بَيْعٍ مَلْهُوٌّ بِهِ وَ كُلُّ مَنْهُي عَنْهُ مِمَّا يَتَقَرَّبُ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ اَوْ يَقْوَى بِهِ اِلَ كُفْرُفِرُ وَ الشَّرْكَ مِنْ جَمِيعِ وَجُوهِ الْمَعَاصِي اَوْ بَابِ يَوْهَنُ بِهِ الْحَقُّ. فَهُوَ حَرَامٌ مُحَرَّمٌ بَيْعُهُ وَ شِرَاؤُهُ وَ اِمْسَاكُهُ وَ مَلَكَهُ وَ هَبْتُهُ وَ عَارِيَّتُهُ وَ جَمِيعُ التَّقَلُّبِ فِيهِ اِلَّا فِي حَالٍ تَدْعُو الضَّرُورَةَ فِيهِ اِلَى ذَلِكَ [۱۱].

از این دست روایت می‌توان موارد دیگری نیز در منابع روایی پیدا کرد. روشی که نگارنده در این پژوهش برای پاسخ به مسئله تحقیق در پیش گرفته است، انتخاب روایت راهبردی «وَجُوهُ الْحَلَالِ» وسایل الشیعه به عنوان روایت محوری در فعالیت‌های اقتصادی و درآمدزایی و حل مسئله بر اساس آن است.

این روایت راهبردی رویکردهای اقتصادی در کسب درآمد را در دو جهت کلان مشخص کرده است. بر اساس این روایت می‌توان فرایند شناسایی شاخص‌ها را به انجام رساند و به کمک سایر روایت و مباحث فقهی ابعاد قضیه را بررسی کرد. این روایت دو جهت را در فعالیت‌های اقتصادی و درآمدزایی مورد توجه قرار داده است؛ هم به

درآمد نیاز پیدا می‌کند. مثلاً کسب درآمد از طریق شغل قصابی که با سر بریدن حیوان سروکار دارد. معاملات مباح: معاملاتی که تأثیرگذاری معناداری در سلامت سازی و آسیب سازی برای انسان ندارد. به عبارت دیگر ضرر و زیانی برای فرد یا جامعه ندارد.

معاملات حرام: مانند خرید و فروش مواد مخدر، مشروبات مست کننده، آلات لهو و لعب، ربا خواری و موارد دیگر که وجود آن‌ها برای فرد و جامعه خطرآفرین و آسیب ساز و بحران آفرین است. کسب درآمد از طریق این مشاغل غیرقانونی (حرام) دانسته شده است.

تقسیم سه گانه ای را نیز فقها مطرح کرده اند که در این تقسیم، خبری از کسب درآمد از طریق داد و ستد واجب و مستحب وجود ندارد.

فنقول: قد جرت عادة غير واحد على تقسيم المكاسب إلهی محرم و مکروه و مباح، مهملین للمستحب و الواجب؛ بناءً على عدم وجودهما في المكاسب، مع إمكان التمثيل للمستحب بمثل الزراعة و الرعي مما ندب إليه الشرع و للواجب بالصناعة الواجبة كفاية، خصوصاً إذا تعدّر قيام الغير به [۱۳].

برای شناخت شاخصه های داد و ستدهای قانونی (حلال) لازم است تا مفهوم اصطلاحی حلال روشن شود. دو اصطلاح برای مفهوم حلال مطرح است؛ در اصطلاح نخست مراد از حلال، معنای خاص آن است که در این صورت، از موارد پنج گانه معاملات فوق، تنها موارد واجب، مستحب و شاید مباح تحت عنوان معاملات حلال واقع می‌گردد و موارد مکروه و حرام از جمع داد و ستد حلال خارج

غیرقانونی (غیرشرعی) خواهی شد. مفهوم کلام حضرت را اگر بخواهی به ادبیات حوزه اقتصادی امروزی بیان کنی، می‌توان گفت که باید ابتدا شاخص‌های دادوستد قانونی (حلال) را شناسایی کن و بعد به کسب درآمد در میدان اقتصاد بپرداز.

و امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: هر کس بدون این که احکام شرعی تجارت را بداند به تجارت مشغول شود در ربا فرو رود و باز فرو رود (یعنی پیاپی گرفتار شود) پس به دادوستد در بازار ننشیند مگر کسی که خرید و فروش (احکام خرید و فروش) را بداند [۱۲].<sup>۴</sup>

در گام نخست شاخص شناسی، نیاز است که انواع معاملات و دادوستدی که در فقه مطرح شده است روشن گردد. در این حوزه فقها انواع معاملات و دادوستد را در پنج دسته تعریف می‌کنند:

معاملات واجب: مانند تجارتي که شخص برای تأمین مخارج خانواده (واجب النفقه) انجام می‌دهد یا دادوستدی که کنار گذاشتن آن، جامعه مسلمانان را با چالش اقتصادی مواجه می‌کند.

معاملات مستحب: معاملات و دادوستدهایی که برای فرد و جامعه مطلوبیت دارد. به-عنوان مثال در وسعت بخشیدن به زندگی خانواده و نفع رسانی به جامعه اثرگذار است.

معاملات مکروه: کارها و مشاغلی که در نفس و روح انسان اثرات منفی دارد. به عبارت دیگر به روح و عواطف انسانی آسیب وارد کند و حالت شقاوت را در وجود انسان پدیدار نماید. هرچند جامعه در برخی موارد به مشاغل و کسب

<sup>۴</sup> دَعَائِمُ الْإِسْلَامِ، عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ: أَنْ رَجُلًا قَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنِّي أُرِيدُ التِّجَارَةَ، قَالَ: أَقْبَهُتَ فِي دِينِ اللَّهِ؟ قَالَ: يَكُونُ بَعْدَ ذَلِكَ. قَالَ: وَيَحْكُ؛ الْفِقْهُ ثُمَّ الْمَتَجَرِّ فَإِنَّهُ مَنْ بَاعَ وَ اشْتَرَى وَ لَمْ يَسْأَلْ عَنْ حَرَامٍ وَ لَا حَلَالٍ ارْتَضَمَ فِي الرِّبَا ثُمَّ ارْتَضَمَ.



روایتی نیز از امام صادق علیه السلام نقل شده است که این قاعده را پشتیبانی می‌کند:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: كُلُّ شَيْءٍ هُوَ لَكَ حَلَالٌ حَتَّى تَعْلَمَ سِرَّهُ حَرَامٌ بِعَيْنِهِ [۱۵].

در این روایت بیان شده است که همه چیز برای انسان حلال است، مگر آن که علم و آگاهی نشان دهد که بهره مندی از آن شیء حرام است. یعنی اصل اولیه بهره مندی از اشیاء است مگر آنکه دلیلی بیاید و بهره مندی و استفاده از آن را ممنوع کند.

علاوه بر موارد فوق، در خصوص حلال بودن داد و ستد (بیع) دلیلی از آیات قرآن کریم نیز ذکر شده است. به آیه «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ» بر اصل حلال بودن در داد و ستد ها استناد شده است و بیان شده است که این آیه در حکم شرعی بر جواز دادوستدها صراحت دارد.

این آیه «دلالت صریح بر حلیت بیع و حرمت ربا داشته» گواه بر مطلق و بدون قید بودن آیه، این است که فقها در باب اطلاق و مطلق بودن وقتی می‌خواهند مثال بیاورند، این آیه را به عنوان شاهد مثال بیان می‌کنند و این نشانه آن است که مطلق بودن این آیه را پذیرفته اند و پس از آن به عنوان شاهد مثال آیه را ذکر می‌کنند.

مطلق عبارت است از لفظی که قید و شرطی نداشته باشد و تمام افراد خرد را شامل می‌شود مثلاً هنگامی که گفته شود: «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ» تمام اقسام دادوستد را شامل می‌شود [۱۵].

بنابراین شاخصه های حلال شامل این موارد می‌شود: فعالیت‌های اقتصادی و درآمدزایی در ارتباط با هم نوعان اولین شاخص در ارتباط با هم‌نوعان است. یعنی شاخص حلال در فعالیت‌های اقتصادی و درآمدزایی با هم‌نوعان

می‌گردد. در اصطلاح دوم منظور از حلال معنای عام است. در این حالت حلال، در مقابل حرام قرار گرفته و هر چیزی که حرام نباشد، حلال محسوب می‌گردد. بنابراین از پنج نوع دادوستد مذکور، فقط یک نوع دادوستد حرام می‌شود که باید از آن دوری کرد. از دو اصطلاح موجود درباره حلال آنچه مد نظر این نوشتار است، حلال در اصطلاح عام آن است. بنابراین منظور از حلال، هر چیزی را که در مقابل حرام باشد شامل خواهد شد؛ پس حلال شامل تمام درآمدها در نظام اقتصادی به جز موارد حرام و غیرقانونی می‌باشد.

حلیت در مقابل حرمت و ممنوعیت است؛ مثل جواز [۱۴]. دلیل انتخاب چنین رویکردی، اصالة الحلیه در فقه است که اصل بر حلیت بیع معرفی شده است. قاعده حلیت از جمله قواعد فقهی است که طبق این قاعده، هر گاه در حلیت چیزی شک به وجود آید مبنا را حلیت و قابل استفاده بودن در نظر می‌گیرند، مگر آنکه دلیلی بر حرمت مطرح شود.

منظور از حلیت نیز جواز تصرف در اشیاء است. به عنوان نمونه وقتی در حلال یا حرام بودن استفاده از شیئی شک به وجود می‌آید، بر اساس این اصل، حکم به حلال بودن و بهره وری از آن شیء داده می‌شود. پشتوانه این اصل، گزاره‌هایی از آیات و روایات است. به عنوان مثال آیه: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا؛ هَرَأْنِجَهْ دَر زَمِين وَجُود دَارِد خَدَاوَنِد بَرَاي اِنْسَان هَا آفَرِيْدَه اِسْت.» (بقره: ۲۹) پشتوانه ای بر انتخاب این اصل است.

محتوای آیه در مقام نشان دادن این پیام است که انسان ها می‌توانند هر آنچه را خداوند آفریده است، از آن بهره مند شوند. مگر این که بهره مندی از آن را خداوند به خاطر مصالح و مفاسدی با بیانی دیگر ممنوع کند.

باید از چه ویژگی‌هایی برخوردار باشد. در این ارتباط به موارد زیر می‌توان اشاره داشت:

### مضر نبودن فعالیت‌های اقتصادی و درآمدزایی برای هموعان

وَعَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ: أَنَّهُ اسْتَحَبَّ تِجَارَةَ الْبَزَّازِ وَ كَرِهَ تِجَارَةَ الْجِنْتِطِ وَ ذَلِكَ لِمَا فِيهِ مِنَ الْحُرْكَهِ وَ الْمَضْرَّةِ بِالْمُسْلِمِينَ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ فَلَيْسَ التَّجَارَةُ بِهَا مُحْرَمَةً [۱۶].

این روایت روی این شاخص تاکید دارد که درآمدزایی حتی در مشاغل قانونی باید شاخص عدم ضررسانی به هم‌نوعان (مسلمانان) را داشته باشد. اگر فعالیت‌های اقتصادی و درآمدزایی سبب ضرر به هم‌نوعان شوند هرچند مشاغلی باشد که ضروری باشند مانند دادوستد مواد غذایی مثل خرید و فروش گندم، درآمد حاصل از چندین کار حرام (غیرقانونی) خواهد بود.

تأمین‌کننده پایداری و استواری جامعه یکی از شاخص‌هایی که در معاملات حلال (قانونی) باید مورد توجه باشد آن است که این نوع معاملات باید پایه‌های استوار جامعه را تأمین کند. اموری مانند تأمین خوراک و طعام شهروندان، آشامیدنی‌ها و مایعات حیاتی افراد جامعه، پوشاک و البسه و پارچه‌هایی که پوشش‌دهنده تن و جان انسان‌ها و خانم‌ها و مانند آن باشد، و نیز اموری که در ایجاد استحکام و پایداری نظام خانواده و ساختار آن مرتبط باشد، مانند نظام مالکیت و حق و حقوق شهروندان و دیگر مواردی که پایه و استواری ساختارهای جامعه برپایه آن‌ها بنا می‌گردد، کسب درآمد از آن‌ها و دادوستد آن‌ها نه تنها حلال است حتی در برخی موارد الزام‌آور است و باید برخی افراد و یا حاکمیت در تأمین آن‌ها وارد فاز عملیاتی شوند.

اعلم رحمک الله أن کلّ مأمور به علی العباد و قوام لهم فی أمورهم من وجوه الصّلاح الّذی لایقیمهم غیره ممّا یأکلون و یشربون و یلبسون و ینکحون و یملکون و یستعملون فهذا کلّه حلال بیعه و شراؤه و هبته و عاریته. (منسوب به علی بن موسی، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام) [۱۶].

تأمین‌کننده صلاح و رشد جامعه نظام جامعه مدنی همیشه خواستار ترقی و پیشرفت است و زمانی که جامعه و شهروندان توانایی و مهارت تأمین نیازهای اولیه را داشته باشند و در تأمین آن‌ها دچار مشکل نباشند، افراد جامعه خواستار ایجاد فرایندهای رشد و پیشرفت جامعه می‌شوند، بنابراین باید سازوکاری برای تحقق پیشرفت سنجیده شود. به همین منظور نیاز است گروهی از افراد جامعه به سمت تأمین نیازهایی حرکت کنند که بتواند زمینه‌های پیشرفت و رشد جامعه را مهیا کند. بر همین اساس، دادوستد و کسب درآمد از طریق اموری که تأمین‌کننده پیشرفت جامعه هستند، قانونی و حلال خواهد بود.

وَعَنْ أَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: الْحَلَالُ مِنَ الْبُيُوعِ كُلُّ مَا هُوَ حَلَالٌ مِنَ الْمَأْكُولِ وَالْمَشْرُوبِ وَ غَيْرِ ذَلِكَ مِمَّا هُوَ قَوَامٌ لِلنَّاسِ وَ صِلَاحٌ وَ مَبَاحٌ لَهُمُ الْإِسْتِفَاعُ بِهِ وَ مَا كَانَ مُحْرَمًا صَلُّهُ مِنْهَا عَنْهُ لَمْ يَجْزُ بَيْعُهُ وَ لَا شِرَاؤُهُ.

فعالیت‌های اقتصادی و درآمدزایی در ارتباط انسان با خودش جدای از فعالیت‌های اقتصادی که در ارتباط با هم‌نوعان آن‌ها را می‌توان در نظر گرفت، دسته دیگر، فعالیت‌هایی هستند که با خود انسان مرتبط هستند. در این باره، نیز روایاتی در کتب معتبر شیعی نقل شده است. مرحوم محد نوری در مستدرک و مرحوم بروجردی در جامع احادیث شیعه آورده اند:

وَ كُلُّ مَرٍ يَكُونُ فِيهِ الْفَسَادُ مِمَّا قَدْ سَهِيَ عَنْهُ مِنْ إِهَةٍ كَلْهٍ  
وَ شُرْبِهِ وَ لُبْسِهِ وَ سِكَاحِهِ وَ إِمْسَاكِهِ لَوَاهِ الْفَسَادِ وَ مِثْلُ  
الْمَيْتَرَةِ وَ الرِّدْمِ وَ لَحْرَمِ الْخَنْزِيرِ وَ الرَّبْرَا وَ أَمِيرِ الْفَوَاحِ  
وَ لَحُومِ السَّبَاعِ وَ الْخَمْرِ وَ مَا شَبَّهَ ذَلِكَ فَحَرَّامٌ رَارٌ لِلْجِسْمِ  
وَ فَسَادٌ لِلنَّفْسِ [۱۶].

این روایت، شاخص‌های دادوستدهایی را که در ارتباط با انسان وجود، مطرح می‌کند. بر اساس این روایت، درآمدزایی در مشاغل باید شاخص عدم ضرر رسانی به انسان را حداقل در دو بُعد جسمانی و روحانی رعایت کند. درآمدزایی از فعالیت‌های مضر به جسم انسان، اگر فعالیت‌های اقتصادی و درآمدزایی سبب ضرر به جسم و بدن انسان شود، درآمد حاصل از چنین کاری قانونی نیست. بنابراین یکی از شاخص‌های دادوستدها ضرر نداشتن به بُعد جسمانی و بدنی انسان است. مثلاً مشاغلی مانند فروش سیگار، قلیان، مواد مخدر و شاید غذاهای حاضری (Fast Food) را که ضرر آن‌ها برای بدن از فایده‌شان بیشتر است، جزو درآمدهایی دانست که قانونی نیستند.

### درآمدزایی از فعالیت‌های مضر به روح و نفس انسان

اگر فعالیت‌های اقتصادی و درآمدزایی سبب ضرر به روح و نفس انسان شود، درآمد حاصل از چنین کاری قانونی نخواهد بود، لذا باید از کسب درآمد به وسیله آن‌ها پرهیز شود.

بنابراین یکی از شاخص‌های دادوستد حلال، ضرر نداشتن به روح و نفس انسان است. دادوستدهایی که زمینه ضرر و ضربه زدن به روح و نفس انسان را دارد، ممنوع و غیرقانونی خواهد بود.

رعایت حق در فعالیت‌های اقتصادی و درآمدزایی اعطا و رعایت حقوق متقابل بین فروشنده و خریدار در دادوستدها یکی از شاخص‌های کسب درآمد حلال است. قطب راوندی در این زمینه از پیامبر اسلام چنین نقل روایت می‌کند که پیامبر فرموده است: تاجر، تبهکار است مگر کسی که حق بگیرد و حق بدهد.

بنابراین در دادوستد و تجارت باید حقوق طرفین رعایت گردد. به عنوان نمونه حق مشتری این است که از معایب، مضرات و فواید و آثار کالا و محصولی که خریداری می‌کند آگاه شود تا بتواند براساس منافع و مضراتی که محصول برای او دارد در تصمیم برای خریدن یا نخریدن کالا آزادی داشته باشد. همچنین اگر سازنده و فروشنده کالا از مضرات و معایب محصول خود آگاه باشند و هنگام فروش، معایب آن را پنهان یا کتمان کنند، این دادوستد و درآمدهای حاصل از آن نیز غیرقانونی (حرام) است.

### صداقت و راستگویی در کسب درآمد

افراد در کسب درآمد حلال و قانونی باید به سخت‌افزار کسب درآمد توجه داشته باشند و به نرم‌افزار آن. به عبارت دیگر، افرادی که مسئولیت کاری را برعهده گرفته‌اند باید در کارشان دقت کافی داشته باشند. به عنوان نمونه کار خواسته شده را در زمان تعیین شده انجام دهند و آن گونه که انجام کار از آن‌ها خواسته شده، کار را انجام دهند.

این شاخص در مشاغل فراوانی نقش محوری دارد. پزشکی یکی از این مشاغل است. اگر یک پزشک در تشخیص بیماری فرد مراجعه‌کننده به او اطمینان نداشت و بر اساس حدس و گمان دارو تجویز کرد، این پزشک در کار خود صداقت و راستی را رعایت نکرده و ممکن است که با

این کار خود سلامت یا حیات بیمار را با خطر مواجه کند. در حالی که می‌توانست این بیمار را به پزشکان دیگری که توانایی تشخیص درست بیماری را دارند معرفی کرده و به بیمار در رسیدن به سلامتی کمک کند. پس درآمدی که پزشک از این طریق به دست خواهد آورد قانونی (حلال) محسوب نمی‌شود.

۱. التاجر فاجر إلاً من أخذ الحقّ وأعطى الحقّ [۱۰].  
در روایات به امر صداقت در معاملات تأکید شده است.

که زمینه ساز انحراف از راه و روش خدا باورانه باشد، حرام و غیرقانونی است:  
الأول ما لا يقصد من واوده على سحوه الخاصّ إلاً الحرام و هی مُور منها: هياكل العبادة المبتدعة كالصليب و الصنم بلا خلاف ظاهر، بل الظاهر الإمام عليه السلام و قوله: «و كل منهي عنه مما يتقرب به لغير الله» و منها: آلات القمار بأسواعه بلا خلاف ظاهراً، و منها: آلات الله و على اختلاف صنافها بلا خلاف [۱۳].

در روایات به امر صداقت در معاملات تأکید شده است.

### دادوستد کالاها و اشیای آلوده و ناپاک

آلودگی و ناپاکی (نجاست) برخی کالاها گاهی ذاتی است، مانند خون، ادرار و مدفوع حیوان ها حرام گوشت و گاهی کالاها و اشیاء ذاتاً ناپاک نیستند، ولی به وسیله ارتباط با اشیاء

قیس بن ابی غرزه غفاری حدیثی از پیامبر ﷺ نقل می‌کند و می‌گوید که ما در مدینه در زمان پیامبر سمسار نامیده می‌شد و پیامبر آمد و ما را به نام زیباتری نامید و فرمود: ای گروه تاجران! در خرید و فروش، سخنان بیهوده و دروغ را با صداقت و درستی درک می‌کنید و صداقت در میان دروغ ها، سخنان بیهوده و قسم ها شناخته نمی‌شود و کسانی که در دادوستد خود صداقت و راستی را رعایت نکنند، در گروه فجار و بدکاران قرار می‌گیرد.

«الشیخ أبو الفتوح فی تفسیره عن قیس ابن ابی غرزه الغفاری قال: کنا نسّمی فی المدینة فی عهد رسول الله صلی الله علیه و آله سمساراً وجاء الرسول صلی الله علیه و آله و سمانا بإسم أحسن منه وقال یا معشر التجار هذا البیع یحضره اللغو والكذب والیمن فشوبوه بالصدق [۱۰].  
و کالاهای آلوده و ناپاک، پاکی خود را از دست می‌دهند و در صورتی که نتوان آلودگی و ناپاکی این نوع کالاها و اشیاء را پاک کرد، دیگر قابل بهره برداری نخواهند بود و به اشیاء و کالاهای ناپاک و آلوده ملحق می‌گردند. بنابراین باید از آن‌ها پرهیز کرد چون از امور فساد انگیز خواهند و خرید و فروش و کسب درآمد به وسیله آن ها منفعت نداشته و احتمال دارد سلامت، صلاح و پایداری جامعه را دچار خطر و آسیب کند. بنابراین اگر کسی به وسیله آن ها کسب درآمد کند عمل غیرقانونی و حرامی را مرتکب

عبید بن رفاعه از پیامبر اکرم ﷺ روایت می‌کند که فرمود:  
«ای گروه تاجران! شما تبهکارید؛ مگر کسی که تقوا پیشه کند و نیک نماید و راست بگوید و بگوید این دال این گونه و این گونه است» [۱۰].

### زمینه ساز نبودن انحراف از راه خدا

فقه‌های شیعه با توجه به این روایات، شاخص‌هایی را برای شناخت دادوستد غیرقانونی و ممنوع (حرام) معرفی کرده اند. شیخ انصاری یکی از فقهای مشهوری است که کتاب ایشان از منابع و مصادر مهم در مباحث فقهی است. ایشان در کتاب مکاسب محرمة به صورت مفصل به دادوستدها حرام و غیرقانونی پرداخته است و بیان می‌دارد دادوستدی

الشافعی و أحمد للإجماع علی نجاسته، فی حرم بیعه، کالمیتة و قال أبوحنیفه: یجوز، لأنّ أهل الأمصار بیاعونه لزروعهم من غیر نکیر، فکان إجماعاً و نمنع إجماع العلماء و لا عبرة بغيرهم و لأنّه رجیع نجس، فلم یصحّ بیعه، کرجیع الأدمی. أمّا غیر النجس: فیحتمل عندی جواز بیعه [۱۷].

#### تضعیف کننده دین و مناسک مذهبی

از دیگر دادوستدهایی که کسب درآمد به وسیله آن غیرقانونی (حرام) است. دادوستدهایی است که تضعیف کننده دین و مناسک مذهبی است و انسان را از مسیری که خداوند برای انسان تعیین کرده دور می‌کند: و کذلّ کلّ مبیع ملهوّ به، و کلّ منهیّ عنه ممّا یتقرب به لغير الله عزّ و الّ، و یقوی به الکفر و الشرک فی امیع واوه المعاصی، و باب یوهن به الحقّ فهو حرام محرّم بیعه و شراؤه و إمساکه و ملکه و هبته و عاریته و امیع التقلّب فیّه، إلّا فی حالّ تدعو الضرورة فیّه إلی ذلّ [۱۳].

منفعت داشتن گفته شد که آلودگی و ناپاکی اشیاء شاخصی برای دادوستد حرام و غیرقانونی است. اما نکته قابل اشاره این است که ممنوعیت آن‌ها به صورت مطلق و تنها به خاطر آلوده بودن و ناپاکی آن‌ها نیست و در صورتی که دارای منافع مثبت و حلالی داشته باشند، استفاده و بهره برداری از آن‌ها عملی قانونی (حلال) خواهد بود و کسب درآمد به وسیله آن‌ها غیرقانونی نخواهد بود.

به عنوان نمونه حیوانات نجس مانند سگ که نجس دانسته شده ولی برخی از انواع سگ که کاربری شکار، نگهداری از گوسفندان (سگ گله)، سگ محافظ خانه (سگ نگهبان) و موارد نظیر آن را دارند، ممنوعیت خرید و فروش آن‌ها

شده است. براین اساس کسب درآمد از خون، ادرار و مدفوع حیوان حرام گوشت، حیوانات ذاتاً نجس، جسد مرده، انواع مواد مست کننده و از بین برنده عقل و مانند آن کار غیرقانونی (حرام) خواهد بود؛ البته در مباحث فقهی مطرح شده است که در صورتی این ممنوعیت عملیاتی و اجرایی خواهد شد که آلودگی و ناپاکی (نجاست) آن‌ها منفعت اصلی و محوری را تحت پوشش قرار داده و وجود آلودگی و ناپاکی (نجاست) مانع از بهره برداری شده است. مانند گوسفندی که مرده باشد.

منفعت بدن گوسفند در خوردن گوشت آن است. با مرگ گوسفند بدون ذبح شرعی، منفعت بدن گوسفند که خوردن گوشت آن است از بین می‌رود و چون گوشت آن به خاطر ناپاک و آلوده شدن (ذبح شرعی نشدن)، قابل بهره برداری نیست، دادوستد و کسب درآمد به وسیله جسد آن غیر قانونی و حرام خواهد شد:

الاکتساب بالأعیان النجسة عدا ما استثنی... یحرم المعاوضة علی بول غیر مأكول اللحم بلا خلافٍ ظاهر؛ لحرمة و نجاسته و عدم الانتفاع به منفعة محلّة مقصودة فیما عدا بعض أفراده... یحرم بیع العذرة النجسة من کلّ حیوان... یحرم المعاوضة علی الدم بلا خلاف... لا إشکال فی حرمة بیع المنی؛ لنجاسته و عدم الانتفاع به ...

تحرم المعاوضة علی المیتة و أجزاءها الّتی تحلّها الحیاة من ذی النفس السائلة... یحرم التکسب بالکلب الهراش و الخنزیر البرین إجماعاً... یحرم التکسب بالخمر و کلّ مسکر مائع و الفقاع إجماعاً، نصّاً و فتوی... یحرم المعاوضة علی الأعیان المتنجسة الغير القابلة للطهارة إذا توقف منافعها المحلّة المعتدالمعتد بها علی الطهارة [۱۳].

مذاهب فقهی دیگر با این شاخص رأی هستند، مسئله: لا یجوز بیع السرجین النجس إجماعاً متّاً. و به قال مالک و

برداشته شده و کسب درآمد به وسیله آن‌ها عملی قانونی (حلال) است.

همچنین پوست حیوان حلال گوشت مرده مانند پوست گوسفند مرده (غیر ذبیح) که حیوانی آلوده و ناپاک (نجس) شمرده می‌شود و خوردن گوشت آن غیرقانونی (حرام) است؛ اما منفعت پوست این حیوان در خوردن نیست، بلکه از پوست آن در غیرخوردن مثل آبیاری و مانند آن بهره می‌برند. بنابراین پوست این حیوان با وجود آلودگی و ناپاکی (نجاست) آن قابل بهره برداری و استفاده است. همین امر سبب شده است فقه دادوستد آن را قانونی (حلال) بداند و بهره برداری از آن مفسده و ضرری از نظر جسمی و روحی برای فرد ندارد. بنابراین می‌توان این نتیجه را ارائه کرد که در ادیاء و کالاهای آلوده و ناپاک (نجاست)، وجود این آلودگی و ناپاکی (نجاست) مانع از بهره برداری و استفاده از منافع اصلی آن‌ها نیست. بنابراین زمانی که این آلودگی و ناپاکی (نجاست) مانع از بهره برداری و استفاده از منافع اصلی و محوری آن‌ها نباشد می‌توان آن‌ها را معامله کرد و درآمد به دست آورد:

الأقوی اواز بیع الأرواث الطاهرة التي ينتفع بها منفعة محللة مقصودة [۱۳].

با توجه به نتیجه به دست آمده روشن می‌گردد که ناپاکی و آلوده بودن زمانی برای داد و ستد ممنوعیت ایجاد می‌کند که منفعت قابل توجهی برای استفاده متصور نباشد، بنابراین در صورت داشتن منفعت، دادوستد و کسب درآمد به وسیله آن‌ها کاری قانونی و حلال خواهد بود.

المسألة الأولى يحرم المعاوضة على بول غير مأكول للحرم، برلا خلاف ظواهر؛ لحرمة و سجاسته و عدم الاستفعا به

منفعة محللة مقصودة فيما عدا بول فراده، ك «بول الإبل الجلالة و الموطوءة» [۱۳].

### قصد جنبه مصلحت ساز دادوستدها

در معاملات اسلامی، دادوستدی وجود دارد که می‌تواند جنبه فساد انگیز داشته باشد و جنبه مصلحت ساز. اگر در معاملات جنبه فساد انگیزی مورد توجه قرار گیرد، دادوستد ممنوع و غیرقانونی خواهد شد. براین اساس اگر جنبه مصلحت سازی در معامله مورد توجه قرار گیرد، معامله و دادوستد قانونی (حلال) خواهد بود.

القسم الثاسی ما يقصد منه المتعاملان المنفعة المحرمة و هو: تارة على واه يراع إلى بذل المال في مقابل المنفعة المحرمة، كالمعاوضة على العنب مع التزامهما أن لا يتصرف فيه إلا بالتخمير و خرى على واه يكون الحرام هو الداعي إلى المعاوضة لا غير، كالمعاوضة على العنب مع قصدهما تخميره و الأول إمان يكون الحرام مقصوداً لا غير، كبيع العنب على أن يعمله خمراً، و سحو ذل و إمان يكون الحرام مقصوداً مع الحلال، بحيث يكون بذل المال بإزائهما، كبيع الجارية المغنّية بثمانين لو حظ فيه وقوع بعضه بإزاء صفة التغنى [۱۳].

بنابراین اگر میوه‌هایی مانند انگور وجود داشته باشد که از آن می‌توان شیره انگور، سرکه، کشمش و فراورده‌های شبیه به آن تولید نمود و با آن فراورده‌ها دادوستد کرد و کسب درآمد انجام داد؛ این کسب درآمد قانونی و حلال خواهد بود. اما اگر از هدان انگور مواد مست کننده ساخته شود و با آن دادوستد شود، درآمد حاصل از آن غیر قانونی و حرام خواهد بود. موارد دیگری وجود دارد مثل دادوستد کالا و اشیای هک ارزش و بی ارزش که می‌تواند شاخص کسب درآمد حلال و حرام باشد.

## نتیجه

گزاره های دینی اشاره های متعددی به اهمیت نقش دادوستد و تجارت کرده اند. از طرفی همه انواع دادوستد و تجارت مصدحت ساز و منفعت آور نیست. بنابراین نیاز است که شاخص‌هایی وجود داشته باشد تا براساس آن به توان دادوستد و تجارت‌هایی را که برای افراد جامعه ضرر و زیان دارد شناخت و از آن‌ها پرهیز کرد و به دادوستد و تجارت‌هایی پرداخت که مصحلت، منفعت، رشد، پایداری و موارد دیگر مصحلت ساز را تأمین کند.

شاید به توان شاخص‌هایی را از عقل جمعی و نخبگانی و سایر منابع انسانی به دست آورد، این فرایند در جای خود در مقیاس زندگی دنیوی و امور مادی مطلوب است، اما اگر مقیاس زندگی انسان را فراتر از زندگی مادی این دنیایی بدانی. یعنی مقیاس زندگی انسان شبکه هستی باشد. در شبکه هستی زندگی دنیا بخشی از زندگی کل انسان را تحت پوشش قرار می‌دهد. بر این اساس نیازمندی که در معادلات زندگی مؤلفه و امور ماورائی را مورد توجه قرار دهی و چون زندگی دنیا و آخرت بر اساس آموزه های دینی با هم رابطه پیوستگی دارند و زندگی دنیا تأثیر مستقیم در سرنوشت زندگی ابدی انسان دارد،

پس لازم اسدمت کدمه معادلات زندگی دنیا را با معادلات زندگی آخرت هماهنگ و هم مسیر نماییم.

از آنجایی که خداوند و فرستادگان او به رازها و امور غیبی زندگی آخرت آگاهی دارند، پس بهتر می‌توانند معادلات زندگی این دنیا را همراه با جهان آخرت تبیین نمایند. از این رو لازم می‌آید که ابتدا از منابعی که از جانب خداوند و فرستادگان خداوند در اختیار بشر قرار گرفته است برای شناسایی شاخص‌های مطلوبیت دادوستد و تجارت‌هایی که مسیر معادلات زندگی انسان را هم سو و هم راستا با معادلات زندگی آخرت می‌کند بهره جست تا بتوان سرنوشت محتم انسان را به سرنوشت مطلوب ابدی گره زد. بنابراین لازم است که شاخص‌های معادلات تجاری و اقتصادی را از منابع دینی بدست آورد تا بتوان ضریب خطا در مسیریابی به جهان آخرت را درست تنظیم نماییم.

## تعارض منافع

نتایج حاصل از این مطالعه با منافع دیگر نویسندگان در تعارض نمی‌باشد.

Research article Journal of Halal Research/ 2020; 2(2): 17-33

**Factors of Halal Trading in Islamic Economic Activities**Abdullah Sadeghi<sup>1\*</sup>*1-Department of Islamic theology, Al-Mustafa International University, Mashhad, Iran**Received: 31 March 2019**Acceptance: 11 July 2019***ABSTRACT**

Economic activities and having an income are an essential part of human life. Providing human needs, such as food, clothing, housing, learning, and more, can be achieved through such activities. Providing these needs from common resources is a prerequisite for the emergence of human differences in economic activities and receiving an income. The Islamic religion has given much importance to economic activities and generating an income. Religious sources have stated in the phrase "The poverty leads to the infidelity" that not paying attention to economic activities and income-generating, endanger human destiny. In religious propositions, in addition to vetoing economic activities and income, the process of preventing dispute has also been presented. Earning Halal income is the recommended process to prevent dispute in this religious propositions. The question that this paper will address is what are the factors of fair and legal transactions? According to religious beliefs, the main strategies for making a Halal income are "being expedient" and "not being corrupt." On the basis of them, it will be obtained many indicators of Halal trading. This research is a fundamental research which approach is descriptive and conducted in a library method.

**Keywords:** Economic Activities, Trading, Salary and Income, Halal, Halal factors.

\*Correspondance to: Abdullah Sadeghi, Email: [abdollah.sadeqi@gmail.com](mailto:abdollah.sadeqi@gmail.com),

[view Journal](#)

<https://doi.org/10.30502/H.2020.104816>



This paper is open access under [Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International](#) license



## References

- [1]. Holy Quran translated by Hossein Ansarian . [In Arabic]
- [2]. Qarshi Banai, Ali Akbar, Quran Dictionary, 6th edition, Tehran: Dar Al-Kitab Islamic. 1412 AH. [In Arabic]
- [3]. Ragheb Isfahani, Hussein Ibn Muhammad, Glossary of Quranic Words, 1st Edition Beirut: Dar Al-Qalam / Al-Dar Al-Shamiya. 1412 AH. [In Arabic]
- [4]. Bastasi, Fouad Afram, Farhang Abjadi, Translator: Reza Mahyar, 2nd Edition, Tehran: Islamic Publications. 1996. [In Arabic]
- [5]. Fayumi, Ahmad Ibn Muhammad, Al-Misbah Al-Munir in Gharib Al-Sharh Al-Kabir, Edition 2, Qom: Hijra Institute. 1414 AH. [In Arabic]
- [6]. Tarihi, Fakhruddin bin Muhammad, Bahrain Complex, researcher / editor: Ahmad Hosseini Eshkori, 3rd edition, Tehran: Mortazavi. 1375. [In Arabic]
- [7]. Ragheb Isfahani, Hussein Ibn Mohammad, translation and research of words. 1374. [In Arabic]
- [8]. Ibn Manzoor, Muhammad ibn Makram, Arabic language, researcher / corrector: Jamal al-Din Mir Damadi, 3rd edition, Beirut: Dar al-Fikr for printing, publishing and distribution / Dar issued. 1414 AH. [In Arabic]
- [9]. Mustafawi, Hassan, Research in the words of the Holy Quran, 1st edition, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. 1989. [In Arabic]
- [10]. Boroujerdi, Agha Hossein, Shamsif Jame's Shiite Traditions, 1st Edition, Tehran: Publications Farhan Sabz. 2007. [In Arabic]
- [11]. Sheikh Har Ameli, Muhammad ibn Hassan, Shiite means, 1st edition, Qom: Al-Bayt Foundation. 1409 AH. [In Arabic]
- [12]. Saduq, Muhammad ibn Ali ibn Babawiyah, from Al-Hadhra al-Faqih, translators: Ali Akbar Ghaffari and Mohammad Javad Sadr Balghi, 1st edition, Tehran: Sadough Publishing. 1409 AH. [In Arabic]
- [13]. Ansari Dezfuli, Morteza bin Mohammad Amin, Kitab al-Makasib al-Muharram, al-Bay wa al-Khayarat, 1st edition, Qom: World Congress Tribute to Sheikh Azam Ansari. 1415 AH. [In Arabic]
- [14]. A group of authors, Ahl al-Bayt jurisprudence magazine, Qom: Daireh Institute Encyclopedias of Islamic jurisprudence on the religion of Ahl al-Bayt. [In Arabic]
- [15]. Koleini, Muhammad ibn Ya'qub, Kafi, 1st edition, Qom: Darolhadis. 1429 AH. [In Arabic]
- [16]. Nouri, Hussein bin Muhammad Taqi, Mustadrak al-Wasa'il va Mustanbat almasael, Edition 1, Qom: Institute alolbayt. 1408 AH. [In Arabic]
- [17]. Halli, Hassan Ibn Yusuf ibn Motahar, Tizkrat al-Fiqh Edition 1, Qom: Al-Bayt Institute. 1414 AH. [In Arabic]